

سبک‌ها و گونه‌های پیامدگویی در پندهای اخلاقی حکمت‌های نهج البلاغه

ملیکا بایگانیان^۱ - محمد جمال‌الدین خوش‌خاضع^۲

چکیده

یکی از روش‌های تربیتی حضرت علی (ع)، استفاده از پند اخلاقی همراه با پیامدگویی است که نمود فراوانی در حکمت‌های نهج البلاغه دارد. راهی به ظاهر آسان برای ترویج اخلاق که در صورت عدم برخورداری از مؤلفه‌های بایسته، می‌تواند پند را از حالت مؤثر به حالتی بیهوده بدل سازد. برای پی‌جویی از تأثیر یا عدم تأثیر پیامدهای موجود در پندهای اخلاقی حضرت علی (ع)، مقاله پیش‌رو برای نخستین بار با روشی توصیفی-تحلیلی عهده‌دار واکاوی از چرایی و چگونگی کاربرد گسترده پیامدها در پندهای اخلاقی ایشان شده است. در این راستا سبک‌ها و گونه‌های پیامدها با ملاک‌های مختلفی چون ارتباط با ساحت‌های وجودی انسان، ارتباط با اعمال متناظر، دامنه شمول، میزان تأثیر، ماندگاری و بار ارزشی بررسی شده‌اند. براساس نتایج این پژوهش، در مکتب علوی با هدف تأثیر بر مخاطب و تشویق او به فعل اخلاقی، پند با پیامدگویی همراه شده و برای بیان مؤثر پیامدها از سبک‌ها و گونه‌های محتوایی مختلفی استفاده شده است. همچنین بر خلاف تصور، پیامدهای دنیوی بیش از پیامدهای اخروی و پیامدهای جسمی در کنار پیامدهای روحی، به کار گرفته شده‌اند.

۱. استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول). Bayganian@isr.ikiu.ac.ir/

۲. استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). khoshkhazeh@isr.ikiu.ac.ir/

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۶ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

کلیدواژه‌ها: پیامد اعمال، پیامدگرایی، آموزه‌های اخلاقی، حکمت‌های نهج البلاغه، روش تربیتی حضرت علی (ع).

۱. مقدمه

یکی از رایج‌ترین روش‌های آموزش اخلاق، پند یا توصیه اخلاقی است. هرچند تنها راه ترویج اخلاق، پندگویی نبوده و منحصر دانستن آن در این شیوه، موجب «پندانگاری اخلاق» در مقابل تربیت‌انگاری اخلاق می‌شود که با آفاتی همراه است؛ (فرامرز قراملکی؛ ناسخیان، ۲۰۳: ۱۳۹۹) اما بخش قابل توجهی از میراث مکتوب جهانی در تربیت و اخلاق، در قالب اندرزنامه و پند است که رواج و ماندگاری تاریخی آن در فرهنگ‌های گوناگون، نشان از کارآمدی آن دارد. (برخورداری، ۱۴۰۱: ۹، مقدمه فرامرز قراملکی) توصیه اخلاقی، یک فرایند ارتباطی است که در قالب آن، پنددهنده، مضمون و محتوایی را به پندگیرنده منتقل می‌کند و زمانی مؤثر خواهد بود که از سوی مخاطب پذیرفته شود. عدم پذیرش پند از سوی پندگیرنده در بهترین حالت، آن را به پندی بیهوده بدل می‌سازد (همو، ۳۷) و در مواردی ممکن است حتی نتایجی معکوس بر جای گذارد. توجه به عناصر متعددی، چون: هدف، زبان، موقعیت و زمینه مشارکت طرفین، روش، ابزار، فرایام، پیامد و سرانجام پند، کیفیت ارتباط میان پنددهنده و پندگیرنده را ارتقا می‌بخشد، (همو، ۲۱). در این میان یکی از راهکارهای محتوایی پنددهی، استفاده از پیامدگویی است. این روش، ویژگی‌های منحصر به فردی از قرار زیر دارد: با انتخاب روش پیامدگویی می‌توان از سویی با طرح پیامد و بیان ملاک و قاعده، فرد را در دوراهی تشخیص ارزش فعل رها نکرد و از سوی دیگر با عدم تذکر دائمی نسبت به اینکه چه کاری پسندیده و چه کاری ناپسند است، رأی او را محترم شمرد. در حقیقت، در این شیوه به جای جعل شخصی ارزش‌های اخلاقی، تنها به کشف ارزش‌های اخلاقی از پیش موجود از طریق بیان پیامدها پرداخته می‌شود، (مک‌ناتن، ۱۳۸۳: ۵-۷). در این روش، در کنار بیان خوب یا بد بودن فعل، به فایده آن‌ها نیز اشاره می‌شود، (وارنوک، ۱۳۶۸: ۴۰-۴۱؛ فتاحی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۹). همچنین تشخیص آموزه‌های اخلاقی از انحصار

افراد خارج شده، مسیر تشخیص برای همگان باز می‌شود و افراد با هر سطح از آگاهی، می‌توانند از رهگذر پیامدها، خود، ارزش فعل را قضاوت کنند. سرعت در اقناع و بالا بردن انگیزه و توان مخاطب به دلیل مواجهه ملموس و محسوس با سرانجام کار، از دیگر آثار پیامدگویی است و به عبارتی از طریق واگویه پیامدها، می‌توان آموزه‌های اخلاقی را با سرعت و عمق بیشتری ترویج داد.

در بیانات حضرت علی علیه السلام استفاده از این روش؛ یعنی بیان پیامدها و ترسیم عاقبت اعمال در راستای انذار و تبشیر، نمود فراوان دارد. وجود ۲۸۵ پیامد در ۴۸۰ حکمت نهج البلاغه، گویای استفاده فراوان ایشان از پیامدها به مثابه یک راهکار تربیتی است. البته نباید پیامدگویی حضرت علی علیه السلام در حکمت‌های نهج البلاغه را کاملاً منطبق بر مکتب پیامدگرایی^۱ مشهور دانست؛ زیرا در این مکتب مانند دیگر مکاتب اخلاقی؛ یعنی وظیفه‌گرایی^۲ و فضیلت‌گرایی^۳، مبنای دسته‌بندی، چرایی ارزشمندی افعال است. این دسته‌بندی براساس ارزشمندی پیامد فعل در پیامدگرایی (دراپور، ۱۳۹۴: ۵)، ذات فعل در وظیفه‌گرایی (کاپلستون، ۱۳۸۷: ۱۹) و فاعل فعل در فضیلت‌گرایی (پینکافس، ۱۹: ۱۳۸۲) شکل گرفته است. هرچند برخی در تلاش برای تعیین مکتب اخلاقی اسلام، آن را به پیامدگرایی نزدیک دانسته‌اند (مصباح، ۱۳۸۲: ۲۶۳؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۳-۳۲؛ شیروانی، ۱۳۷۸: ۶۰)، اما به دلیل پسینی بودن دسته‌بندی مکاتب اخلاقی سه‌گانه و عدم وجود حصر عقلی در آن، نسبت دادن مکتب اخلاقی اسلام به یکی از مکاتب سه‌گانه تکلف‌آمیز است. علاوه بر آنکه در مکتب پیامدگرایی، قضاوت اخلاقی، صرف‌نظر از نتایج، ممکن نبوده (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۵؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۵۶) و پیامدها هدف فعل اخلاقی هستند، در حالی که بسیاری از پیامدهای مطرح در حکمت‌های نهج البلاغه و سایر متون دینی، از جنس هدف نبوده و فوایدی هستند که مخاطب را به

1. Consequentialism.

2. Deontology.

3. virtueism.

انجام فعل اخلاقی، دعوت و تشویق می‌کنند، (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۵-۹ و حاجی‌علیان، باقری، ۱۳۹۷: ۵۳-۶۸). به هر روی بررسی نسبت مکتب اخلاقی اسلام با مکاتب اخلاقی، خارج از موضوع این مقاله است.

در حقیقت، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا حضرت علی علیه السلام در روش تربیتی خود، به صورتی گسترده از پنددهی همراه با پیامدگویی استفاده کرده‌اند؟ پیامدهای مطرح شده از سوی ایشان تا چه اندازه و به چه دلیل در اثربخشی پندهای اخلاقی تأثیر داشته است؟ ایشان با چه سبک‌های بیانی‌ای به ارائه پیامدها پرداخته و ذکر چه نوع پیامدهایی را در منظومه تربیتی خود مناسب دیده‌اند؟ این مقاله به دنبال بررسی پیامدهای مطرح شده از سوی حضرت علی علیه السلام در حکمت‌های نهج البلاغه به عنوان یکی از عناصر محتوایی در پنددهی است و در همین راستا به سبک‌شناسی و گونه‌شناسی محتوایی این پیامدها پرداخته است.

گفتنی است در مورد موضوع این نوشتار یعنی بررسی جامع روش پیامدگویی در حکمت‌های نهج البلاغه به عنوان یکی از عناصر محتوایی در پنددهی مؤثر، نوشته‌ای وجود ندارد؛ اما می‌توان به مقاله «پیامدهای شخصیت‌زدگی از دیدگاه نهج البلاغه» نوشته میثم کهن‌ترابی و نرگس عمادی، به عنوان یک مطالعه موردی درباره پیامد شخصیت‌زدگی از دیدگاه نهج البلاغه اشاره کرد. همچنین در مورد استخراج الگو و عناصر مؤثر در پنددهی با تکیه بر دیدگاه حضرت علی علیه السلام نیز اثری مستقل تدوین نشده و در آثار موجود، به انتخاب و شرح و توضیح حکمت‌های نهج البلاغه پرداخته شده است.

۲. منطق پیامدگویی در حکمت‌های نهج البلاغه

گذری بر حکمت‌های نهج البلاغه به خوبی گویای آن است که حضرت علی علیه السلام در مقام توصیه به آموزه‌های اخلاقی، صرفاً به خوب یا بد بودن عمل اشاره نداشته؛ بلکه از رهگذر پیامدها، به بیان فایده و سرانجام اعمال پرداخته‌اند. از دیدگاه امام علی علیه السلام پیامدها جایگاهی مهم دارند. از نظر ایشان، گریزی از سرانجام و پیامد نیست و هر کس

سرانجامی شیرین یا تلخ دارد و آینده او وابسته به پیامد کارهای اوست، (حکمت ۱۵۱). از همین روست که کار با زحمت به همراه پیامد گوارا، بر کار لذت بخش به همراه پیامد ناگوار ترجیح دارد، (حکمت ۱۲۱). ایشان ملاک فایده داشتن روزه و نماز را دستیابی به پیامد واقعی آن‌ها ذکر کرده و برای روزه و نمازی که به پیامد مورد نظر نمی‌انجامد، ارزشی قائل نیستند، (حکمت ۱۴۵). حضرت علی علیه السلام، خوبی و نیکی را که عاقبت آن جهنم باشد، خوبی ندانسته و بدی و مشکلی را که بهشت به دنبال آن باشد، بدی محسوب نمی‌کنند، (حکمت ۳۸۷).

در کنار بیاناتی این چنین که متأثر از قرآن (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۶۱/۱۸؛ مغنیه، ۱۳۸۶: ۳۲۰/۴) و حاکی از اهمیت پیامدها به طور کلی هستند، گفته‌های فراوانی از حضرت علی علیه السلام نیز وجود دارد که به صورت مصداقی و کاملاً مشخص، گویای پیامدهایی برای اعمال اند؛ چنان‌که می‌فرمایند: اکتفا به مقدار نیاز به آسودگی خاطر (حکمت ۳۷۱) و عدم حفظ زبان به سلب نعمت می‌انجامد، (حکمت ۳۸۱). به عبارتی ایشان نه تنها از جهت نظری، بر اهمیت پیامدها تأکید کرده‌اند، به صورت عملی و در مقام ترویج آموزه‌های اخلاقی نیز به بیان پیامدها برای برخی اعمال و ویژگی‌ها پرداخته‌اند که سبک‌شناسی و گونه‌شناسی محتوایی این پیامدها در ادامه ارائه خواهد شد.

۳. سبک‌شناسی پیامدها

حضرت علی علیه السلام در بیان پیامدهای اعمال در حکمت‌های نهج البلاغه، از سبک‌های بیانی مختلفی استفاده کرده‌اند که هریک ویژگی، آثار و فواید خاصی در تأثیر توصیه به آموزه‌های اخلاقی داشته است:

۳-۱. پیامدهای متقابل

پیامدهای ذکرشده در حکمت‌های نهج البلاغه، گاهی دو سویه و ناظر به جنبه اثبات و نفی اعمال یا وقایع‌اند. به عنوان مثال، هم پیامد شکرگزاری؛ یعنی فزونی نعمت (حکمت ۱۳) و هم پیامد عدم شکرگزاری؛ یعنی محرومیت از نعمت بیان شده است،

(حکمت ۱۳۵). در نگاه نخست، به نظر می‌رسد این پرداخت دو سویه، تکراری بیش نباشد؛ به ویژه زمانی که انجام و عدم انجام عمل در یک بیان و به دنبال هم ذکر شده باشند. به عنوان نمونه، در حکمت ۲۴۴، ادای حق خداوند در برابر نعمت‌های الهی، موجب افزون شدن نعمت‌ها و کوتاهی در ادای این حق، موجب از بین رفتن نعمت‌های معرفی شده است که به نظر می‌رسد پیامد دوم، مشخص بوده و نیازی به ذکر دیگر باره آن نیست؛ اما با بررسی پیامدهای متقابل در حکمت‌های نهج البلاغه، می‌توان آن‌ها را در سه دسته جای داد که هریک می‌تواند اهداف تربیتی خاصی داشته باشد: پیامدهای معکوس، پیامدهای یکسان و پیامدهای متفاوت (نه یکسان و نه معکوس).

از فواید ذکر پیامد معکوس می‌توان به تأکید بر اهمیت پیامد و حتمی الوقوع بودن آن و در نتیجه تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب اشاره کرد. (ملازاده و رحمانیان، ۱۳۹۵: ۹-۱۲) نمونه‌های مختلفی از این دست در نهج البلاغه وجود دارد، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۳، ۱۳، ۳۱، ۵۶، ۱۰۳، ۱۳۵، ۲۲۵، ۲۴۴، ۳۷۲، ۴۲۵).

نشان دادن ویژگی خاص عمل یا واقعه را می‌توان هدف از ذکر دو پیامد کاملاً یا تقریباً یکسان برای دو عمل یا واقعه متفاوت دانست. در حکمت ۷۲ نرسیدن به مواهب دنیا موجب رنج کشیدن دانسته شده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد پیامد رسیدن به مواهب دنیا باید عکس پیامد قبلی؛ یعنی آسایش باشد، در حالی که در ادامه همان حکمت ۷۲، پیامد رسیدن به مواهب دنیا، نه آسایش؛ بلکه خسته شدن ذکر شده است که از نظر بار ارزشی هم راستا با رنج کشیدن است. نزدیک بودن دو پیامد رنج کشیدن و خسته شدن، نشان از ویژگی خاص دنیا دارد که رسیدن یا نرسیدن به آن، گویی تفاوت چندانی با هم ندارد.

ذکر پیامدهای متفاوت نیز می‌تواند گویای این نکته باشد که از نظر گوینده، انجام یک عمل، پیامدی دارد و انجام ندادن آن، افزون بر پیامد قابل حدس، در برادرنده پیامدهای دیگری نیز هست. به عنوان مثال در حکمت ۳۶۲، پرهیز از بحث‌های لجاجت‌آمیز، سبب حفظ آبرو دانسته شده است. در مقابل، در حکمت ۳۱، بیرون نیامدن از تاریکی

شبهات، به عنوان پیامد نزاع بسیار با دیگران مطرح شده است که به مراتب از بی آبرویی خطرناک تر است، برای نمونه های بیشتر، نک: حکمت (۲۲۴ و ۳۷۲)، (۱۰۸ و ۳۴)، (۳ و ۳۷۸).

البته در برخی حکمت های نهج البلاغه، پیامد معکوس و پیامد متفاوت در کنار هم ذکر شده است. برای نمونه، عمل به علم، موجب باقی ماندن علم در فرد (حکمت ۳۶۶) و عمل نکردن به علم، موجب کوچ علم از فرد، همچنین موجب خودداری جاهل از فراگیری علم دانسته شده است، (حکمت ۳۷۲).

۲-۳. پیامدهای چندگانه

یکی دیگر از ویژگی های سبکی پیامدگویی در حکمت های نهج البلاغه، بیان چند پیامد برای یک عمل یا ویژگی واحد است. به عنوان مثال، برای ویژگی طمع، پیامدهای حقارت (حکمت ۲)، هلاکت از روی حرص (حکمت ۱۰۸)، بردگی همیشگی (حکمت ۱۸۰)، قربانی شدن عقل (حکمت ۲۱۹) و ذلت (حکمت ۲۲۶) برشمرده شده است (برای نمونه های بیشتر، نک: حکمت (۳۱ و ۴۰۸)، (۲۰۶ و ۲۱۱ و ۴۲۴)، (۲۲۸ و ۱۰۳).

در میان پیامدهای متعدد، برخی زودتر و برخی دیرتر به وقوع می پیوندند؛ مانند مشغول شدن به مشکلات و زمین گیر شدن که در حکمت ۱۰۸ به عنوان پیامدهای فقر معرفی شده اند که پیامد نخست، نسبت به پیامد دوم، تقدم زمانی دارد. همچنین برخی پیامدها ضعیف تر و برخی قوی ترند؛ مانند ناقص شدن دین و سرگردانی عقل (حکمت ۳۱۹) که به مراتب از دیگر پیامدهای فقر؛ یعنی گنگ شدن شخص از بیان دلیل، غریب بودن در شهر خود (حکمت ۵۶۳) و بدبین شدن فرد فقیر و مردم نسبت به هم (حکمت ۳۱۹) عمیق تر و جدی تر است.

۳-۳. پیامدهای مشترک

یکی دیگر از سبک های بیانی حضرت علی علیه السلام، بیان پیامد واحد، برای چند عمل، واقعه یا ویژگی است. به عنوان نمونه، هلاکت، پیامدی برای ترک جمله «نمی دانم»

(حکمت ۸۵)، نشناختن قدر خود (حکمت ۱۴۹)، استبداد رأی (حکمت ۱۶۱)، مقابله و مبارزه با حق (حکمت ۱۸۸) و رفتن بی مقدمه به سمت کارهای سخت (حکمت ۳۴۹) برشمرده شده است، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت (۱۳۶ و ۱۹)، (۲۱۶ و ۱۰۸)، (۴۲۱ و ۱۶۹).

بیان پیامدهای مشترک در حکمت‌های نهج البلاغه، براین مطلب صحّه می‌گذارد که گاه یک معلول یا پیامد، می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد و آگاهی از مجموع علل منتج به پیامد، می‌تواند آثار تربیتی خاصی را به دنبال آورد. توجه به این نکته که استجابت دعا، معلول نه یک علت بلکه علت‌های مختلف است، (مکارم، ۱۳۹۶: ۳/ ۲۱۳) سبب جلوگیری از یأس داعی به هنگام عدم استجابت دعا خواهد شد، (حکمت ۳۶۱ و ۴۳۵).

۳-۴. پیوند پیامد با اعمال انسان

برخی پیامدهای مطرح در حکمت‌های نهج البلاغه، مستقیماً به خداوند نسبت داده شده است. به عنوان مثال در حکمت ۴۴۸ آمده است که بزرگ شمردن مصائب کوچک، ابتلا به مصائب بزرگ توسط خداوند را به دنبال خواهد داشت. نیز در حکمت ۴۲۵، بذل و بخشش نعمت، سبب می‌شود که آن نعمت، دیگر بار توسط خداوند تأمین شود، اما باید توجه داشت که این ویژگی، بسیار اندک بوده و از مجموع ۲۸۵ پیامد بررسی شده، تنها ۱۱ مورد مستقیماً به خداوند نسبت داده شده است. به عکس، حتی در مورد پیامدهایی مانند آمرزش گناه یا استجابت دعا (حکمت ۱۳۵) و پیامدهای اخروی (حکمت ۲۲۸-۲۲۹-۳۴۹-۴۷۴) که نقش خداوند در خلق پیامد، برای همه عیان است، باز هم به صورت مشخص از خداوند سخن گفته نشده است.

روشن است که بر اساس تعالیم اسلامی، تمام پیامدها را می‌توان به خداوند نسبت داد؛ (یونس، ۱۰۷)، اما عدم نسبت مستقیم آن به خداوند از سوی حضرت علی علیه السلام، یکی از نکات برجسته و مهم در بیان پیامدهاست که نشان می‌دهد بسیاری از رخدادها، به

گونه‌ای از قبل طراحی نشده‌اند که انسان هیچ تأثیری در آن‌ها نداشته باشد؛ بلکه این خود انسان است که پیامدها را رقم می‌زند. این مفهوم، هم‌راستا با آیاتی از قرآن کریم است که سرنوشت انسان را در گرو اعمال او می‌داند، (هود، ۱۰۱؛ مدثر، ۳۸).

۳-۵. پیامدهای ماندگار

ویژگی بسیاری از پیامدهای مطرح شده در حکمت‌های نهج البلاغه، ماندگاری است. (حکمت ۴۸، ۶۰، ۸۱)؛ یعنی اغلب پیامدها پایان کار نیستند و خود می‌توانند زمینه‌ساز بروز رفتارها و پیامدهای بعدی باشند، چنان‌که پایمال شدن شخصیت که پیامدی برای سیطره زبان بر فرد، دانسته شده (حکمت ۲) خود می‌تواند آغازی برای رفتارهای ناپسند و پیامدهای ناخوشایند دیگر باشد، (جعفری، ۱۳۹۹: ۵۲). همچنین سوء ظن دیگران به فرد که پیامدی برای در معرض تهمت قرار دادن معرفی شده است، می‌تواند بسیاری از تعامل‌های اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار داده به پیامدهای منفی دیگر بیانجامد. (فتحعلی خانی، ۱۳۸۹: ۱/۲۳؛ شجاعی، ۱۳۸۴: ۱). تنها یک نمونه؛ یعنی اندوه و اشک ریختن مردم در پی مرگ فردی که با دیگران معاشرت صحیح داشته است (حکمت ۱۰) به ظاهر فاقد این ویژگی است. مواردی مانند مرگ (حکمت ۱۹، ۱۶۳، ۳۴۴)، هلاکت (حکمت ۸۵، ۱۴۹، ۱۶۱، ۱۸۸، ۳۴۹، ۴۰۸) یا رسیدن به اجر مجاهد شهید (حکمت ۴۷۴) نیز اگرچه می‌توانند در ظاهر تمام‌کننده و پایان کار تلقی شوند؛ اما در واقع، خود، دنباله‌دار و آغازگر اتفاقاتی دیگر هستند.

در مجموع، بیان پیامدهایی با چنین ویژگی از سوی حضرت علی (علیه السلام) بیانگر این نکته است که نتیجه اغلب اعمال، مقطعی و زودگذر نبوده و پیامد هرانتهایی اعم از خوب یا بد می‌تواند تا زمانی طولانی ادامه داشته باشد و زندگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

۳-۶ پیامدهای خوشایند و ناخوشایند

از دیگر ویژگی‌های پیامدهای مطرح شده در حکمت‌های نهج البلاغه، وجود

پیامدهای خوب و بد در کنار یکدیگر است. حضرت علی علیه السلام همان گونه که به کارهای خوب و پیامدهای مثبت ناشی از آن اشاره داشته‌اند، به کارهای بد و پیامدهای منفی متأثر از آن نیز پرداخته‌اند. به عنوان مثال، در کنار پیامدهای مثبت سخن گفتن مانند ابهت (حکمت ۲۲۴) و اثرگذاری (حکمت ۳۴۹)، پیامدهای منفی آن، از جمله ارتکاب اشتباه را نیز بیان کرده‌اند، (حکمت ۳۴۹).

از نظر فراوانی، پیامدهای خوب و بد مذکور در حکمت‌ها، تقریباً یکسان هستند. نزدیک بودن این آمار نشان از نگاه دو سویه مثبت و منفی نسبت به اعمال و پیامدهای ناشی از آنها و به عبارتی انذار و تبشیر توأمان دارد که می‌تواند همزمان موجی از خوف و رجا را در وجود مخاطب ایجاد کرده، تأثیرات تربیتی فراوانی داشته باشد، (معارف، ۱۲۰: ۱۳۹۶).

۳-۷. پیامدهای ثابت و گفتمان محور

پرسش مهمی که می‌تواند در مورد پیامدهای موجود در حکمت‌های نهج البلاغه مطرح باشد آن است که چه چیزی موجب درک اتصال و پیوند پیامدهای مطرح شده با اعمال متناظر با آن‌هاست؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: برخی پیامدها نتیجه طبیعی اعمال‌اند و حضرت علی علیه السلام در نقش یک مربی و هشداردهنده، به یادآوری آن‌ها پرداخته‌اند. به عنوان مثال، تنهایی و غربت حاصل از، از دست دادن دوستان (حکمت ۶۵) یا شدت یافتن کینه‌توزی بعد از خشم، یا پشیمانی در اثر تفریط در انجام امور (حکمت ۱۰۸) پیامدهایی طبیعی برای اعمال مذکورند، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۰، ۳۱، ۵۶، ۱۴۰، ۱۶۹، ۱۷۳، ۲۶۴، ۴۵۱). گرچه همگان از پیامدهایی این چنین مطلع‌اند؛ اما فراموشی و بی‌توجهی انسان، اقتضا می‌کند که بیان پیامدهایی از این جنس بارها و بارها، صورت گیرد تا آدمیان متوجه پیامدهای طبیعی مترتب بر اعمال خوب یا بد خود باشند.

در برخی دیگر از حکمت‌ها، معناداری رابطه بین اعمال و پیامد آن‌ها، مرهون

گزاره‌های دینی است. مانند آنکه خشم برای خدا، در نهایت، خشم خداوند در برابر دشمنان فرد را به دنبال دارد (حکمت ۳۱) یا ترک امر به معروف و نهی از منکر، به نزدیک شدن مرگ و کاسته شدن روزی (حکمت ۳۷۴) می‌انجامد، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۵۸، ۷۲، ۲۱۶، ۲۶۳، ۴۷۴).

افزون بر طبیعت و دین، گفتمان موجود در جامعه نیز یکی از عوامل مؤثر بر درک پیوند میان پیامدها و اعمال است. به این معنا که گاه در جامعه‌ای، یک عمل، پیامدی دارد که همان عمل در جامعه دیگر فاقد پیامد مشابه است. در مورد رابطه برخی پیامدهای موجود در نهج البلاغه با اعمال نیز نقش گفتمان و فرهنگ، قابل مشاهده است. به عنوان مثال در حکمت ۲۲۴، پیامد کثرت سکوت، ابهت دانسته شده است. این در حالی است که ممکن است بر اساس تفاوت گفتمان‌ها، در برخی جوامع، سکوت چنین پیامد مثبتی را نداشته باشد و اتفاقاً به پیامدهای منفی همچون تحقیر شخصیت و از دست رفتن اعتماد به نفس بیانجامد. در نمونه‌ای دیگر، خوب انجام دادن کار موجب مشخص شدن قیمت و ارزش فرد دانسته شده است (حکمت ۸۱)، در حالی که ممکن است در برخی جوامع، دقت و وسواس در انجام کار درست، نشانه سادگی فرد دانسته شود، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۳، ۸۱، ۹۱، ۱۰۳). امروزه بحثی با عنوان اخلاق توصیفی عهده‌دار بررسی همین موضوع است؛ یعنی چه نظرات، قواعد یا افعال اخلاقی در عمل در جامعه‌ای خاص یا میان همه انسان‌ها مشترک‌اند، (داروال و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲).

۳-۸. پیامدهای ناظر به دوام عمل

آیا پیامدهای مطرح‌شده در حکمت‌های نهج البلاغه، پیامدهایی برای کارهای طولانی‌مدت یا کوتاه‌مدت‌اند و آیا این پیامدها مستلزم تکرار و تعدد انجام کار یا ثبوت ویژگی هستند یا با یک بار انجام نیز ایجاد می‌شوند؟ شواهد، گویای وجود هر دو گونه از این پیامدها در نهج البلاغه است. گونه نخست، پیامدهایی هستند که حاصل اعمال بلندمدت و ویژگی‌های باثبات‌اند؛ مانند کور شدن دل که در اثرا جبار قلب به انجام

کارها ایجاد می‌شود (حکمت ۱۹۳) یا هلاکت که به دنبال نشناختن قدر خود رقم می‌خورد، (حکمت ۱۴۹). طبیعتاً پیامدهایی مانند کور شدن دل و هلاکت، زمانی اتفاق می‌افتند که اعمالی مانند اجبار و بی‌توجهی به منزلت شخص، به مدت طولانی تکرار شوند. فرایندی که شارحان نهج البلاغه در این باره ذکر کرده‌اند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۰: ۴/۸) نیز نشان از دوام انجام این‌گونه اعمال برای حصول پیامدهای متناظر با آن دارد، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۴۸، ۵۶، ۱۹۳، ۲۰۵، ۳۴۴، ۴۷۶). البته عبارات، گاه خود نیز به روشنی گویای آن‌اند که پیامد مطرح شده در صورتی اتفاق می‌افتد که عمل تداوم داشته باشد. به عنوان مثال در حکمت ۳۱ آمده است که عادت به جدال و نزاع، سبب بیرون نیامدن از تاریکی شبهات می‌شود و در حکمت ۳۴۹، بسیار یاد مرگ کردن، موجب رضایت اندک از دنیا معرفی شده است. وجود این نوع از پیامدها در نهج البلاغه نشان‌دهنده آن است که از نظر حضرت علی علیه السلام برخی اعمال، پیامد فوری ندارند و بر این اساس نمی‌توان با ندیدن اثر عمل، بلافاصله یا پس از مدتی کوتاه، آن را بدون پیامد مثبت یا منفی دانست و به عبارتی، همیشه می‌بایست در انتظار پیامد اعمال بود.

گونه دوم، پیامدهایی هستند که بدون تعدد و تکرار عمل و با یک بار انجام نیز می‌توانند اتفاق بیفتند. به عنوان مثال در حکمت ۴۸۰، جدایی از دوست موجب به خشم در آوردن و شرمنده ساختن دوست دانسته شده و در حکمت ۲۳۹ پایمال کردن حق سبب سستی در امور معرفی شده است. این دو یعنی جدایی از دوست و پایمال کردن حق، پیامدهایی هستند که به دنبال یکبار خشمگین ساختن دوست یا سستی در امر هم می‌توانند اتفاق بیفتند، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۳۸-۱۶۹-۲۶۸-۳۶۵-۴۴۹. وجود این گونه پیامدها در نهج البلاغه، از سویی انذار و از سویی تبشیر است؛ انذار نسبت به اعمال بد و تبشیر نسبت به اعمال خوبی که حتی یک بار انجامشان نیز می‌تواند به سوء یا حسن عاقبت بیانجامد.

۴. گونه‌شناسی محتوایی پیامدها

پس از پاسخ به این پرسش که حضرت علی علیه السلام برای تبیین پیامدها از چه سبک‌های بیانی استفاده کرده‌اند، لازم است به این پرسش نیز پاسخ داده شود که ایشان چه پیامدهایی را به عنوان پیامد اعمال مطرح کرده‌اند؟ آیا فقط پیامدهایی را که متوجه خود فرد است، گوشزد کرده‌اند یا به پیامدهای اجتماعی نیز اشاره داشته‌اند؟ آیا فقط به پیامدهای اخروی و روحی پرداخته‌اند یا پیامدهای دنیوی و جسمی را نیز برشمرده‌اند؟ پیامدهای مطرح شده از سوی ایشان پیامدهایی زودگذر یا پیامدهایی ماندگار و مؤثر بر دیگر ابعاد زندگی است؟ گونه‌شناسی محتوایی پیامدها عهده‌دار پاسخ به همین پرسش‌ها از طریق دسته‌بندی و تحلیل تمام حکمت‌های نهج البلاغه براساس شاخص‌های مختلف است.

۴-۱. پیامدهای فردی

برخی پیامدهای مطرح شده در حکمت‌های نهج البلاغه فردی هستند و تنها خود فرد، مشمول پیامد عمل پسندیده یا ناپسند خویش است. به عنوان مثال ذلت که پیامدی برای فاش کردن ناراحتی‌های شخصی دانسته شده (حکمت ۲) یا آگاهی از اعماق دانش که پیامد درست اندیشیدن معرفی شده است (حکمت ۳۱) پیامدهایی فردی هستند، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۳۱- ۸۹- ۱۳۵- ۱۶۲- ۲۱۱- ۴۵۱). البته این پیامدهای فردی، خود گونه‌هایی دارد:

برخی پیامدها ناظر به نوعی شناخت و نگرشند و عمل مثبت یا منفی فرد، پیامدی از جنس شناخت و تغییردهنده نگرش به دنبال دارد. این نوع از پیامدها و علل ایجاد آن‌ها می‌توانند بسیار مهم باشند؛ چه اینکه معرفت و شناخت، به معنای بازتاب تجزیه و تحلیل واقعیت‌ها در ذهن انسان (جرجانی، ۱۳۶۸: ۲۲۱) اثر بنیادین و انکارناپذیری بر جهان بینی او دارد. (تهانوی، ۱۳۷۶: ۱۳۰۹/۲). در حکمت‌های نهج البلاغه با سه دسته پیامد فردی شناختی مواجه می‌شویم:

دسته اول، پیامدهایی که ناظر به پیدایش نگرشی خاص در رابطه با موجودات و وقایع‌اند. به عنوان مثال، ناچیز دانستن مصیبت‌ها که نوعی نگرش خاص نسبت به مصیبت است، پیامدی برای زهد برشمرده شده است (حکمت ۳۱) یا کوچک دانستن مخلوق، پیامدی شناختی است که از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام به دنبال بزرگ شمردن خالق حاصل می‌شود، (حکمت ۱۲۹)، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۰۳-۴۴۹.

دسته دوم پیامدهایی که ناظر به افزایش یا کاهش شناخت‌اند. پیامدهایی مانند: روشن شدن حکمت و دقایق امور (حکمت ۳۱)، آگاهی از اعماق دانش (حکمت ۳۱)، نابینایی دائمی نسبت به حق (حکمت ۳۱) که به ترتیب، پیامدی برای نگرستن هوشمندانه به واقعیت‌ها، درست اندیشیدن و نزاع بسیار با دیگران از روی جهل برشمرده شده‌اند، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۶۹-۳۶۶-۳۷۳.

دسته سوم پیامدهایی ناظر به ضعیف یا قوی شدن قوه تشخیص هستند. به عنوان مثال، شناخت موارد خطا، پیامدی برای استقبال از افکار دیگران (حکمت ۱۷۳) تشخیص میزان اخلاص، پیامدی برای روزه (حکمت ۲۵۲) و عدم تشخیص نیکی و بدی، پیامدی برای عدم ستایش نیکی و عدم نکوهش زشتی (حکمت ۳۷۵) برشمرده شده است، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۳۱-۳۱۹-۴۳۴.

در کنار پیامدهای فردی شناختی، برخی پیامدها از جنس رفتارند و پیامد عمل خوب یا بد، رفتاری دانسته شده که متناسب با آن عمل، ظهور و بروز می‌یابد. به عنوان مثال، از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامد انتظار برای مرگ، در رفتار فرد منعکس شده و فرد به دنبال این انتظار، به کارهای خود سرعت می‌بخشد. (حکمت ۳۱) یا فردی که قوه عقل و اندیشه خود را تقویت می‌کند، کمتر سخن می‌گوید. (حکمت ۷۱) چراکه کامل بودن عقل، موجب کنترل قوای جسمی و به کار بردن به هنگام آن‌ها در بروز گفتار و رفتار می‌شود، (قمی، ۱۳۷۶: ۳۹؛ خویی، ۱۳۸۶: ۲۱/۱۰۵). اگر کسی به این نکته توجه داشته باشد که در دست داشتن ابتکار عمل در مناسبات دوستانه، به عنوان پیامدی رفتاری، پیامد رعایت اعتدال در دوستی و دشمنی است، سعی خود را در رعایت اعتدال به کار

می‌گیرد، (حکمت ۲۶۸)، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۴۲۴، ۲۶۸، ۲۹۳. پیامدهای فردی عاطفی، گونه دیگر از پیامدهای مذکور در حکمت‌های نهج البلاغه است. مثلاً حس نشاط، پیامدی برای رجوع به لطائف حکمت‌آمیز (حکمت ۹۱)، حس پشیمانی، پیامدی برای تفریط و کوتاهی در کارها (حکمت ۱۸۱) و حس یأس، پیامدی برای ترس (حکمت ۲۱) برشمرده شده است، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۷۲، ۱۰۸، ۱۲۷). بیان این گونه پیامدها در نهج البلاغه نشان از آن دارد که از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) عواطف و احساسات، متأثر از اعمال آدمی است و از آنجا که یکی از مهم‌ترین راهکارهای کنترل عواطف و مدیریت احساسات، شناخت علل و عوامل پدیدآورنده آن‌هاست، (شریعت‌مداری، ۱۳۸۴: ۵۸) توجه به پیامدهای عاطفی و علل ایجادکننده آن‌ها حائز اهمیت است.

۴-۲. پیامدهای اجتماعی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای اخلاق، کارکردهای اجتماعی آن دانسته می‌شود، (فرانکنا، ۲۱: ۱۳۷۶). از همین روست که می‌بایست به انسان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احساس تعهد و پایبندی در مقابل دیگران و توجه به پیامدهای اجتماعی رفتار وی را آموخت، (سبحان‌نژاد، ۱۸: ۱۳۷۹). پیامدهای اجتماعی ذکرشده در حکمت‌های نهج البلاغه، می‌تواند یکی از منابع آگاهی‌بخش برای تقویت رفتار مسئولانه اجتماعی باشد. این پیامدها دو گونه‌اند: پیامدهای اجتماعی برای فرد و پیامدهای اجتماعی برای جامعه.

منظور از پیامدهای اجتماعی برای فرد، پیامدهای ناظر به زیست اجتماعی افراد است که محور آن، نه صرفاً زندگی فرد که زندگی فرد در جامعه است. به عنوان نمونه، پیامد بردباری، زندگی آبرومندانه در میان مردم (حکمت ۳۱) و پیامد قدم نهادن در کارهای سوء، مورد تهمت قرارگرفتن از سوی مردم (حکمت ۳۴۹) و پیامد رها کردن زبان، آسیب رساندن به دیگران دانسته شده است. (حکمت ۶۰) (برای نمونه‌های بیشتر، نک:

حکمت ۶، ۳۵، ۲۱۶) بیان این گونه پیامدها در نهج البلاغه، می‌تواند حاوی این پیام اخلاقی باشد که اعمال یا ویژگی‌ها نه تنها زندگی فردی؛ بلکه گاه زندگی فرد در جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده، در نهایت به تقویت یا تهدید روابط فرد با دیگران می‌انجامد.

منظور از پیامدهای اجتماعی برای جامعه نیز پیامدهایی است که گستره شمول آن‌ها اولاً و بالذات به جامعه مربوط می‌شود. به عنوان نمونه حفاظت خون‌ها که به عنوان پیامد قصاص معرفی شده است (حکمت ۲۵۲) پیامدی اجتماعی برای جامعه است (لاهیجی، ۱۳۷۹: ۳۱۴)؛ زیرا التزام به آموزه اسلامی قصاص اگرچه موجب از دست رفتن خون قاتل می‌شود؛ اما به دلیل نقش بازدارندگی، می‌تواند افراد را از ارتکاب قتل بر حذر داشته، در مجموع به حفاظت خون در جامعه بیانجامد، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۵۸، ۲۵۲، ۳۲۸، ۴۷۶.

نکته قابل توجه در حکمت‌های نهج البلاغه، بیان پیامدهای اجتماعی برای اعمال فردی است. این گونه پیامدها نشان از آن دارد که همیشه اعمال اجتماعی نیستند که پیامدهای اجتماعی دارند، گاه عمل یک فرد نیز می‌تواند به پیامدی در سطح جامعه بیانجامد. به عنوان مثال، خشونت، سخت‌گیری، بی‌انصافی و ظلم و ستم حاکم، می‌تواند موجب آوارگی، فرار مردم از سرزمین و شورش مسلحانه شود. (حکمت ۴۷۶) همچنین برخی پیامدها، فردی اجتماعی هستند. به عنوان مثال دفع امواج بلا که پیامد دعاکردن دانسته شده است (حکمت ۱۴۶) بسته به اینکه، برای چه کسی یا کسانی اتفاق می‌افتد می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد. یا آسایش بیشتر که پیامدی برای کمی زن و فرزند مطرح شده است (حکمت ۱۴۱) در مرحله نخست، شامل فرد و در مراحل بعدی شامل عموم جامعه می‌شود، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۵۳-۴۴۷.

۳-۴. پیامدهای دنیوی

خلاف تصور اولیه، بیشتر پیامدهای مطرح شده در حکمت‌های نهج البلاغه، ناظر به جنبه‌های دنیوی بوده و پیامدهای اخروی، فراوانی بسیار کمتری دارند. در میان ۴۸۰

حکمت مورد مطالعه، تنها در ۱۱ مورد، پیامدهایی مربوط به آخرت بیان شده‌اند. پیامدهایی مانند عدم قرب الهی (حکمت ۳۹) گزیدن دست از پشیمانی در قیامت (حکمت ۱۸۶) کسب بدترین توشه برای آخرت (حکمت ۲۲۱) ورود در آتش پس از مرگ (حکمت ۲۲۸) داخل شدن در دوزخ (حکمت ۳۴۹) درک بزرگ‌ترین حسرت‌ها در روز قیامت (حکمت ۴۲۹) و دستیابی به اجر مجاهد شهید در راه خدا (حکمت ۴۷۴) از آن جمله‌اند. فراوانی پیامدهای دنیوی نسبت به پیامدهای اخروی در حکمت‌های نهج البلاغه، نشان از معنادار و هدفمند بودن آن دارد. به دلیل وقوع پیامدهای دنیوی در طول زندگی و ملموس بودن آن برای افراد، طبیعی است که تشویق و تحذیر از طریق این نوع پیامدها تأثیر بیشتری در مخاطب خواهد داشت. همچنین به نظر می‌رسد حضرت علی علیه السلام با بیان این نوع پیامدها در صدد بیان این مطلب‌اند که اعمال خوب یا بد، افزون بر سبک یا سنگین کردن پرونده اعمال و بهشتی یا دوزخی کردن افراد، پیامدهای دیگری نیز دارند که افراد در همین دنیا تحت تأثیر و در مواجهه با آن‌ها قرار می‌گیرند، (رفیعی، ۱۳۹۷: ۲۵، ۴۵).

۴-۴. پیامدهای جسمی

از آنجا که حضرت علی علیه السلام انسان را موجودی دو ساحتی (مادی و فرامادی) می‌دانند (غیاثی، ۱۳۹۷: ۱-۲). همه پیامدهای مطرح در حکمت‌های نهج البلاغه مربوط به ساحت روح و روان و امور معنوی نبوده، برخی از آن‌ها معطوف به ساحت جسم و امور مادی هستند. پیامدهایی مانند طغیان و سرکشی در اثر بی‌نیازی مالی (حکمت ۱۰۸)، عدم فراموشی و حفظ و نگهداری سخن در صورت سخن گفتن در جمع (حکمت ۲۶۶)، کم شدن حیا در اثر زیاد اشتباه کردن (حکمت ۳۴۹) و آسودگی خاطر در صورت اکتفا به مقدار نیاز (حکمت ۳۷۱) و خوار شدن شهوات نزد فرد در صورت شخصیت قائل شدن برای خود (حکمت ۴۴۹) از جمله پیامدهای روحی و روانی‌اند، اما پیرشدن و فرسایش (حکمت ۲۱۱)، از بین رفتن سلامت بدن (حکمت ۲۲۵) و حفظ مال (حکمت ۲۳۴)

پیامدهای مربوط به ساحت جسم و امور مادی‌اند، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۳، ۱۹، ۱۳۷، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۵۶، ۴۱۸ پیامدهای مادی را می‌توان در سه دسته سلامت جسمی، اقتصاد و امنیت دسته‌بندی کرد. از دست دادن اشتها در صورت عدم رعایت بهداشت غذایی (حکمت ۱۷۱) و تأمین سلامت بدن از طریق تقوای دل (حکمت ۳۸۸) را می‌توان در گروه سلامت جسمی جای داد. فرود روزی بر اثر دادن صدقه (حکمت ۱۳۷) و حفظ اموال در صورت دادن زکات (حکمت ۱۴۶) از جمله موارد ناظر به بحث معیشت و اقتصاد هستند. همچنین آوارگی در اثر خشونت حاکم (حکمت ۴۷۶) و امنیت از دشمنی مردم در صورت هماهنگی با اخلاق و رسوم مشروع (حکمت ۴۰۱) نشان از بازتاب اعمال در حوزه امنیت دارد.

در مجموع، وجود چهل و هفت پیامد مربوط به امور جسمانی در حکمت‌ها، نشانگر آن است که از نگاه حضرت علی علیه السلام، اعمال و ویژگی‌های انسان، تنها، پیامد روحی و معنوی نداشته؛ گاه بازتاب اعمال، در امورات مادی و جسمی انعکاس می‌یابد. در نتیجه حتی افراد بی‌توجه به امورات روحی و معنوی نیز به دلیل این پیامدهای مادی و جسمی، نسبت به مراقبت از اعمال و رفتار خود ترغیب می‌شوند.

۴-۵. پیامدهای ناظر به ساحت‌های وجودی انسان

پیامدهای مطرح‌شده در حکمت‌های نهج البلاغه، پیامدهایی برای سه حوزه رفتار، گفتار و پندار هستند و نشان از آن دارند که از دیدگاه حضرت علی علیه السلام هریک از این سه می‌توانند پیامدهای مثبت و منفی مربوط به خود را داشته باشند. این دیدگاه، با توجه به تلقی‌های مختلفی که از دیرباز در رابطه با اهمیت و اولویت هریک از حوزه‌های سه‌گانه مذکور وجود داشته بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه برخی به اولویت رفتار، برخی به اولویت گفتار و برخی نیز به اولویت پندار معتقد بوده، بر این باورند همین که کاری خوب انجام شود یا سخنی نیکو بیان شود یا قلبی پاک باشد، کافی است، (پاکتچی، ۱۴۰۰: ۵۰-۵۵).

در حکمت‌های نهج البلاغه، بردباری که موجب عدم کوتاهی در امور و زندگی آبرومندان در میان مردم دانسته شده (حکمت ۳۱) یا عدم مشورت که سبب به خطر افتادن فرد معرفی شده است (حکمت ۲۱۱) از جمله موارد مربوط به حوزه رفتارند، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۰۸، ۱۶۰، ۳۴۴، ۴۰۸، ۲۹۹.

سخن گفتن در جمع که موجب عدم فراموشی و حفظ و نگهداری سخن دانسته شده (حکمت ۲۶۶) یا خواندن قرآن در عین بازیچه قرار دادن آن که سبب ورود در آتش مطرح شده است (حکمت ۲۲۸) از جمله موارد مربوط به حوزه گفتارند، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۸۸، ۸۵، ۲۸۶، ۳۸۱، ۴۵۰.

توجه به اینکه سخن هم جزو اعمال است و پیامد مترتب بر آن یعنی کم‌گویی (حکمت ۳۴۹) یا بزرگ شمردن مصائب کوچک و پیامد آن؛ یعنی ابتلا به مصائب بزرگ توسط خداوند (حکمت ۴۴۸) نیز از جمله موارد مربوط به حوزه پندارند، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۴۲، ۱۴۹، ۲۳۴، ۳۰۵، ۳۴۹.

۴-۶. پیامدهای ناظر به مسائل روزمره

بر خلاف تصور، پیامدهای مطرح شده در حکمت‌های نهج البلاغه، صرفاً پیامدهای حاصل از رخدادهای دینی نیستند؛ یعنی این‌گونه نیست که حضرت علی علیه السلام تنها به پیامد نماز، روزه و اقامه حدود (حکمت ۲۵۲) اشاره داشته باشند، گرچه موارد متعددی از این‌گونه پیامدها در نهج البلاغه به چشم می‌خورد (حکمت ۸۷، ۸۹، ۱۹۳، ۲۵۲)، اما وجود پیامدهای مربوط به رخدادها و فعالیت‌های مالی نیز در نهج البلاغه، قابل تأمل است، (حائری، ۱۳۷۸: ۸۴، ۹۵). همچون پیامدهای متعددی که برای فقر مانند: غربت و گنگ شدن شخص از بیان دلیل (حکمت ۳)، ناقص شدن دین، سرگردانی عقل، بدبین کردن فرد فقیر و مردم نسبت به هم (حکمت ۳۱۹)، مشغول شدن به مشکلات، زمین گیر شدن (حکمت ۱۰۸) و در نهایت مرگ (حکمت ۱۶۳) مطرح شده است یا پیامدهای متعددی که در مقابل، برای برخورداری و ثروت بیان شده است، مانند:

زمینه‌سازی برای همه شهوات (حکمت ۵۸)، خسته شدن (حکمت ۷۲) و طغیان و سرکشی (حکمت ۱۰۸ و ۲۱۶)، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۴۶، ۲۲۴، ۳۴۶، ۳۷۲.

همچنین، به پیامد فعالیت‌های فرهنگی و علمی نیز پرداخته شده است؛ مانند: آن‌که از معاشرت صحیح با مردم و پیامد حاصل از آن؛ یعنی سوگواری و عشق ورزیدن انسان‌ها به فرد در صورت وفات و حیات سخن گفته شده است (حکمت ۱۰) یا با بیان اینکه دانش‌اندوزی بیشتر، سبب ایجاد ظرفیت بیشتر برای دانش‌اندوزی می‌شود (حکمت ۹۱) به کسب علم اهمیت داده شده است. در حکمتی دیگر از نهج البلاغه، پاداش دادن به نیکوکار، سبب تنبیه گنهکار دانسته شده است. (حکمت ۱۷۷) بی‌تردید برای بازداشتن بدکاران از بدکاری، راه‌های مختلفی از جمله، مجازات بدکاران و نیکی به آن‌ها وجود دارد که هریک بنا به نوع مخاطب و شرایط زمانی و مکانی، راهگشاست؛ اما راه فرهنگی دیگری که موجب آگاهی خطاکاران می‌شود، تشویق نیکوکاران است که آیات مختلفی از قرآن نیز مؤید آن است، (مکارم، ۱۳۹۶: ۶۸/۷).

در مجموع، بیان پیامد کارهایی از انواع مختلف دینی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی، نشان از نگاه همه‌جانبه حضرت علی (ع) به ابعاد و زوایای زندگی روزمره دارد و گویای آن است که در نظام تربیتی ایشان، نه فقط به اعمال و رفتار دینی، بلکه به انواع فعالیت‌های روزمره و پیامدهای مترتب بر آن‌ها توجه شده است.

۷-۴. پیامدهای دور از انتظار

میزان وضوح و قابل درک بودن پیامدها در حکمت‌های نهج البلاغه، متفاوت است. برخی پیامدها، مفهومی کاملاً قابل درک دارند و برخی دیگر دور از انتظارند. به عنوان نمونه، محبت به عنوان پیامدی برای خوشرویی (حکمت ۶) و نرسیدن به مقصود به عنوان پیامدی برای ترس (حکمت ۳۱) قابل درک هستند؛ زیرا قابل انتظار است که خوشرویی به ایجاد محبت بیانجامد و ترس، موجب نرسیدن به مقصود شود، برای

نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۴۸، ۱۸۱، ۲۴۴. با بررسی فراوانی نمونه‌ها می‌توان گفت: اغلب روابط میان اعمال و پیامدها در حکمت‌ها، واضح و قابل درک‌اند؛ اما به هرروی رابطه برخی اعمال و ویژگی‌ها با پیامدهای مترتب بر آن‌ها قابل درک نیست. به عنوان مثال، روشن نیست که از نظر حضرت علی علیه السلام چرا و چگونه سؤال پرسیدن، به پنهان ماندن عیوب می‌انجامد (حکمت ۶) یا چرا و چگونه اصلاح رابطه با خداوند می‌تواند در نهایت به اصلاح رابطه با مردم (حکمت ۸۹) منتهی شود، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۹۱-۱۰۳-۱۰۸. در مواردی این چنین، توضیحات شارحان نیز نتوانسته است چندان که باید، سبب شفافیت رابطه پیامد با عمل شود، (مکارم، ۱۳۹۶: ۱۳۳/۵؛ بحرانی، ۱۳۷۵: ۷۳/۴). در همین راستا، رابطه برخی پیامدها و اعمال مطرح شده در بیانات حضرت علی علیه السلام، دقیقاً برخلاف تصور است. به عنوان مثال، در حالی که گمان می‌رود، بخشیدن مال، موجب از دست رفتن بخشی از مال، انجام قصاص، باعث از دست رفتن خون و جنگ و سبب از دست رفتن نسل و نفرات می‌شود، در حکمت‌هایی از نهج البلاغه، صدقه دادن، سبب فرود آمدن روزی (حکمت ۱۳۷)، قصاص، موجب حفاظت خون‌ها (حکمت ۲۵۲) و جنگ، سبب دوام و افزایش نسل (حکمت ۵۸) دانسته شده است، برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۱۴۶-۲۵۸.

بر اساس یک صورت‌بندی برآمده از بیانات حضرت علی علیه السلام می‌توان دلایل مختلفی را برای عدم رابطه بدوی میان برخی پیامدها و اعمال در حکمت‌های نهج البلاغه برشمرد: گاه تفاوت جنس عمل و پیامد سبب شده است این دو متناسب با هم به نظر نیایند. همچون زمانی که برای فرایندی روحی مانند حسد، پیامدی جسمی مانند از بین رفتن سلامت بدن ذکر می‌شود (حکمت ۲۲۵).

گاه نیز عدم تناسب بدوی میان عمل و پیامد، به دلیل تصویری است که در مورد نوع کار و میزان انجام آن وجود دارد. به عنوان مثال، برای فرستادن صلوات قبل از دعا، پیامدی چون استجاب دعا مطرح شده است (حکمت ۳۶۱) که این سؤال را ایجاد می‌کند که چگونه فرستادن صلوات می‌تواند به استجاب دعا بیانجامد. این سؤال ناشی

از تلقی نسبت به صلوات، به عنوان تنها عامل مؤثر بر استجابات دعا و نه یکی از مجموعه عوامل آن است، (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳/۲).

گاهی عدم همگونی بدوی میان پیامد و عمل، حاصل کمیت پیامد مطرح شده است. در حکمت ۸۵، ترک جمله «نمی‌دانم»، موجب هلاکت و نابودی معرفی شده و در حکمت ۲۴۰، قرار دادن یک سنگ غصبی در خانه، مایه ویرانی آن خانه دانسته شده است که این پیامدها، بسیار بزرگ‌تر از خود اعمال به نظر می‌رسند، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۷، ۱۵۳، ۳۴۹، ۴۵۰).

گسیختگی ظاهری پیامد از عمل، گاهی به دلیل عدم درک صحیح واژگان و عبارات است. به عنوان مثال، پیامد توفیق دعا، عدم محرومیت از اجابت (حکمت ۱۳۵) دانسته شده و این در حالی است که برخی از افراد با توجه به تجربیات شخصی، ممکن است میان این دو یعنی، دعا و برآورده شدن خواسته، ارتباطی نیابند. واضح است که این عدم ارتباط به دلیل فاصله گرفتن از شمول معنایی واژه اجابت و انحصار آن در تحقق خواسته رقم خورده است، (فیومی، ۱۴۱۴: ۷۲/۳).

یکی دیگر از دلایل عدم تناسب بدوی میان عمل و پیامد، درک پیامد بدون توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی است (میرفرخایی، ۱۳۸۴: ۱۳). به عنوان مثال پوشیدن لباس کهنه و وصله‌دار، موجب خضوع قلب و رام شدن نفس سرکش (حکمت ۱۰۳) یا کمی زن و فرزند، سبب آسایش بیشتر (حکمت ۱۴۱) دانسته شده است، (برای نمونه‌های بیشتر، نک: حکمت ۵۸-۲۲۴)، در حالی که امروزه، به دلیل تغییر شرایط فرهنگی - اجتماعی، پوشیدن لباس کهنه، به جای پیامد مثبت، می‌تواند پیامدی منفی؛ یعنی احساس حقارت و عدم اعتماد به نفس را به دنبال داشته باشد. نیز در برخی جوامع و متناسب با جمعیت و امکانات آن‌ها، تعداد کم زنان و فرزندان، می‌تواند موجب سلب آسایش شود.

باید توجه داشت که درک ارتباط اعمال و پیامدها تا حدودی نسبی است و افزون بر شرایط جغرافیایی و تاریخی، به گرایش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی و فردی نیز وابسته

است، چنان‌که حضرت علی علیه السلام رسیدن به مواهب دنیا را موجب خسته شدن معرفی می‌کنند (حکمت ۷۲)، در حالی که وابستگان به دنیا هیچ‌گاه چنین پیامدی را برای برخورداری از مواهب دنیوی متصور نیستند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی تمامی حکمت‌های نهج البلاغه و پیامدهای موجود در آن‌ها نتایج زیر حاصل شده است:

۱. فراوانی و گوناگونی پیامدها نشان از آن دارد که یکی از مهم‌ترین راهکارهای تربیتی حضرت علی علیه السلام در بیان آموزه‌های اخلاقی، پیامدگویی است و در مکتب اخلاقی علوی برای ترویج فعل اخلاقی از ظرفیت برجسته پیامدها به صورت قابل توجهی استفاده شده است.

۲. ایشان برای بیان پیامدها، از سبک‌های متعددی استفاده کرده‌اند که عبارت‌اند از: بیان پیامدهای متقابل، مشترک، چندگانه، ماندگار، خوشایند و ناخوشایند، ثابت و گفتمان‌محور، پیامدهای ناظر به دوام عمل و در پیوند با اعمال خود انسان.

۳. گونه‌شناسی محتوایی پیامدهای مطرح شده از سوی حضرت علی علیه السلام حاکی از آن است که پیامدهای موجود، هم اجتماعی و هم فردی هستند؛ ناظر به جنبه‌های شناختی، رفتاری و حسی‌اند؛ نه تنها جنبه‌های روحی و معنوی، بلکه ساحت جسم را نیز پوشش می‌دهند؛ گاه به دلایل مختلف، ارتباط محسوس و قابل درکی با عمل یا ویژگی متناظر با خود ندارند؛ پیامدهایی برای هر سه ساحت گفتار، رفتار و پندار هستند؛ تنها حاصل افعال دینی نیستند و در برخی موارد، پیامدهایی برای اعمال روزمره هستند و مهم‌تر از همه بیش از آنکه اخروی باشند، دنیوی‌اند.

۴. در مجموع در مکتب اخلاقی علوی، در میان دوره استفاده یا عدم استفاده از پند، از سویی، راه پنددهی و اندرزگویی به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر تربیتی انتخاب شده و از دیگر سو، با استفاده اصولی و هدفمند از شیوه پیامدگویی و به کارگیری

سبک‌ها و گونه‌های کارآمد در بیان پیامدها، از آثار سوء پنددهی کاسته و بر تأثیر عمیق و سریع آموزه‌های اخلاقی افزوده شده است؛ با این هدف که پند به همراه پیامد بتواند نقش خود را به درستی در منظومه تربیت اسلامی ایفا کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، مرکز البحوث الاسلامیه، قم، ۱۳۷۴.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشرنی، تهران، ۱۴۰۰.
۴. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمد صادق عارف و دیگران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۵.
۶. برخورداری، زینب، پندبیهوده، با مقدمه احد فرامرز قراملکی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۱.
۷. پاکتچی، احمد، «دین»، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۴۰۰.
۸. پینکافس، ادموند، از مسئله محوری تا فضیلت گرایی، ترجمه حمیدرضا حسنی و مهدی علی‌پور، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۲.
۹. تهبانوی، محمد، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقیق دجروج، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۷۶.
۱۰. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. جعفری، محمد تقی، انسان‌شناسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌جا، ۱۳۹۹.
۱۲. جمعی از نویسندگان، فلسفه اخلاق، دفتر نشر معارف، قم، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.
۱۳. حاجی علیان، نیره، باقری، خسرو، «حریت اخلاقی؛ هدف غایی تربیت اخلاقی از منظر اسلام»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۹۷.
۱۴. حائری، سید محسن، اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه، ترجمه عبدالعلی آل بویه لنگرودی، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۸.
۱۵. خوئی، حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تصحیح ابراهیم میانجی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶.
۱۶. داروال، استیون، گیبارد، آلن، ریلتن، پیتر، نگاهی به فلسفه اخلاق در قرن بیستم، ترجمه

۱۷. مصطفیٰ ملکیان، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۷. درایور، جولیا، *پیامدگرایی*، ترجمه شیرزاد پیک حرفه، حکمت، بی جا، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۸. رفیعی محمدی، ناصر، «تأثیرات معادباوری در حیات دنیوی انسان از منظر نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*، سال هفدهم، شماره ۵۹، ۱۳۹۷.
۱۹. سبحان نژاد، مهدی، *پایان نامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه دینی کنونی دوره ابتدایی ایران و طراحی برای آینده*، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
۲۰. شجاعی، سید محمد، *بدگمانی ریشه فتنه‌ها و اختلاف‌ها*، مهر امیرالمؤمنین، تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. شریعتمداری، علی، *تعلیم و تربیت اسلامی*، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ بیستم، ۱۳۸۴.
۲۲. شیروانی، علی، «ساختار کلی اخلاق اسلامی»، *قبسات*، شماره ۱۳، سال چهارم، ۱۳۷۸.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰.
۲۴. غروی اصفهانی، محمد حسین، *نهایة الدرایة فی شرح الکفایه*، تحقیق مهدی احدی و امیرکلائی، انتشارات سید الشهداء (ع)، قم، ۱۳۷۴.
۲۵. غیاثی، تقی، «بازجست ساحت‌های وجودی انسان از منظر نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه*، دوره ۶، شماره ۲۲، ۱۳۹۷.
۲۶. فتاحی زاده، فتحیه، امیرخانی، مهناز، رضوی علوی، نعیمه سادات، ونکی، فاطمه، «تحلیل شیوه‌های بیان استدلالی در آیات تربیتی قرآن» *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹۸.
۲۷. فتحعلی خانی، محمد، *آموزه‌های بنیادین علم اخلاق*، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، بی جا، ۱۳۸۹.
۲۸. فرامرزق‌الملکی، احد؛ ناسخیان، علی اکبر، *قدرت انگاره*، نشر مجنون، قم، چاپ چهارم، ۱۳۹۹.
۲۹. فرانکنا، ویلیام، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، سپهر، قم، ۱۳۷۶.
۳۰. فیومی، احمد، *المصباح المنیر*، انتشارات هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۱. قمی، عباس، *شرح حکم نهج البلاغه*، تحقیق باقر قربانی زرین، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۶.
۳۲. کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه از ولف تا کانت*، ترجمه منوچهر بزرگمهر؛ اسماعیل سعادت؛ سید جلال‌الدین مجتبی، سروش، بی جا، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۳۳. کهن ترابی، میثم، عمادی، نرگس؛ «پیامدهای شخصیت‌زدگی از دیدگاه نهج البلاغه».

۳۴. مشکوة، سال سی و هفتم، شماره ۱۴۰، پاییز ۱۳۹۷.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی، /اخلاق در قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۷۸.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، /آموزش فلسفه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۳۸. معارف، مجید، شریعتی نیاسر، حامد، ارتباط نهج البلاغه با قرآن، سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۳۹. مغنیه، محمدجواد، فی ضلال نهج البلاغه، کلمة الحق، قم، ۱۳۸۶.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام /امیرالمؤمنین علیه السلام، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۹۶.
۴۱. مک ناتن، دیوید، نگاه اخلاقی درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه حسن میاننداری، سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۴۲. ملازاده، ریحانه، رحمانیان، فرزانه، «هنر سازه تکرار و دلالت‌های معنایی آن در حکمت‌های نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره ۱۵، شماره ۴، ۱۳۹۵.
۴۳. میرفرخایی، تژا، فرابند تحلیل گفتمان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴۴. نواب لاهیجانی، محمدباقر، شرح نهج البلاغه، مؤسسه نشر میراث مکتوب، بی‌جا، ۱۳۷۹.
۴۵. وارنوک، جفری جیمز، فلسفه اخلاق در قرن حاضر، ترجمه محمدصادق لاریجانی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۸.